

۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۹ مجلس آلیانس اسپریتوآلیست (اتحاد روحانی) در پاریس تالار اتنه سن‌جرمن کوچه نمره ۲۱ دیو کلم‌بیه  
مجلس ششم پاریس

رئیس جمعیت بنهات احترام و رعایت ستایش از بهائیان مینمود حضرت عبدالبهاء فرمودند

از فرمایشات رئیس و احساسات قلبیه ایشان نهات ممنونیت را دارم و شکر میکنم خدا را که در پاریس در همچو مجمع روحانی حاضر شدم الان فضای این مجلس اگر بنظر حقیقت نظر کنیم بروح مواجست فیوضات آسمانی شامل است تأیید روح القدس مشهود است الحمد لله این قلوب با احساسات روحانیه فائضند در آنها اهتزازات روح موجود روح بمنزله دریا است این جمع بمنزله امواج هرچند متعدّدند اما منبعث از یک دریاست و هرچند بظاهر مختلف الصور و الأشکال لکن وحدت روح جلوه دارد جمیع انبیا جمیع مظاهر مقدسه الهی بجهت تربیت بشر آمده‌اند تا وحدت عالم انسانی ظاهر و آشکار جلوه نماید امواج را حکمی نماند حکم حکم دریا باشد زیرا روح مانند دریاست و اجسام مانند امواج در انجیل میفرماید که اورشلیم از آسمان نازل میشود چنانچه رئیس گفتند این اورشلیم آسمانی یقین است سنگ و آهک و گل نیست آن تعالیم الهی است که بقوه روح در بین بشر جلوه نماید چون مدتی بود که تعالیم الهی فراموش شده بود نورانیت اورشلیم آسمانی را اثری نمانده بود لهذا بهاءالله از شرق ظاهر شد اورشلیم آسمانی که عبارت از تعالیم الهیه است در ایران و سایر اقطار جلوه نموده و این معلوم است که اورشلیم آسمانی تعالیم الهی است که از آسمان نازل میشود هرچند این اورشلیم از بنیاد افتاده بود دوباره تأسیس شد قوای جسمانیّه و قوای مادیه غلبه یافته بود حال در شرق قوای روحانیه غالب است و الحمد لله در پاریس جمع محترمی می‌بینم که آنها بنفثات روح زنده‌اند

انسان بجسم انسان نیست انسان بروح انسان است زیرا در جسمانیات انسان با حیوان شریک است اما بروح ممتاز از حیوان ملاحظه کنید چنانچه شعاع آفتاب زمین را روشن میکند همین طریق روح اجسام را روشن میکند روح است که انسان را آسمانی کند روح است که انسان را از نفثات روح القدس مستفیض نماید روح است که حقایق اشیا را کشف کند روح است که این همه آثار ظاهر نموده روح است که همه علوم را تأسیس کرده روح است که حیات ابدی بخشد روح است که ملل مختلفه را متحد نماید روح است که شرق و غرب را جمع کند روح است که عالم انسانی را عالم ربّانی نماید لهذا نفوسیکه مستفیض از قوه روح هستند سبب حیات عالمند حال الحمد لله شما که از عالم روح مستفیض هستید البتّه از تعالیم بهاءالله که مؤسس روحانیات است مسرور و مشعوفید زیرا تعالیم بهاءالله صرف روحانی است

اول تحرّی حقیقت است تحرّی حقیقت سبب ظهور روح است زیرا روح بقوای محسوسه احساس نشود ولی بقوای باطنیه ظاهر و آشکار گردد هرچند جسم انسان محسوس است ولی روحش پنهان و حاکم بر جسد است روح را دو تصرف است یکی بواسطه آلات و ادوات یعنی بچشم می‌بیند و بگوش می‌شنود بزبان می‌گوید هرچند این آلات درکارند ولی محرک روح است هرچند این قوی از جسد ظاهر لکن بقوه روح است و اما تصرف دیگر که بدون آلات است در عالم رؤیا بدون چشم می‌بیند بدون گوش می‌شنود بدون زبان می‌گوید بدون حرکت پا سیر می‌کند جمیع قوای روحانی بدون واسطه جسم در عالم رؤیا ظاهر و آشکار است پس معلوم شد که از برای روح دو تصرفست یک تصرفست بواسطه آلات اجسام مانند چشم و گوش و غیره و یک تصرفست بدون آلات و همچنین جسم در غرب است ولی روح حالات شرق را کشف میکند و در آنجا تدبیر و تمشیت امور مینماید پس ثابت شد و محقق میشود که روح عظیم و جسم نسبت بروح حقیر جسم مانند بلور است و روح مانند نور هرچند بلور در نهایت صفا است اما ظهور و جلوه بلور بصفای نور است نور محتاج به بلور نیست روشن است لکن بلور محتاج بنور است تا روشن شود همین طور روح محتاج بجسم نیست جسم محتاج بروح است روح بجسم زنده

نیست جسم بروح زنده است ملاحظه کنید جسم هر قدر تناقص پیدا کند روح بر عظمت و قوت خود باقی است مثلاً دست انسان اگر قطع شود روح بقدرت و سلطنت خود باقیست چشم اگر کور شود روح بصیرت برقرار اما اگر فیوضات روح از جسد منقطع شود فوراً جسد معدوم است پس ثابت شد که انسان بروح انسان است نه بجسد این روح فیضی از فیوضات الهی است اشراقی از شمس حقیقت است ولی این روح انسانی اگر مؤید بنفثات روح القدس شود آن وقت روح حقیقی گردد و نفثات روح القدس تعالیم الهی است آن وقت حیات ابدی یابد نورانیت آسمانی جوید عالم انسان را بفضائل رحمانی منور نماید

پس ما باید بکوشیم بموجب تعالیم بهاءالله عمل کنیم روز بروز سعی کنیم که روحانی شویم نورانی تر شویم و بوحدت عالم انسانی خدمت کنیم مساوات بشریه را مجری داریم رحمت الهی را منتشر نمائیم محبت الله را بر جمیع من علی الارض عرضه داریم تا قوه روحانی در نهایت جلوه ظهور نماید اجسام را حکمی نماید ارواح حکمران گردد آن وقت عالم بشر عبارت از یک نفس شمرده میشود و وحدت عالم انسانی جلوه نماید اختلاف و نزاع را حکمی نماید اورشلم الهی تأسیس تام یابد جمیع بشر از اهل ملکوت شوند و از فیوضات الهی بهره و نصیب برند

حال من شکر میکنم خدا را که در مجمع شما حاضرم و از احساسات روحانی شما ممنونم و دعا میکنم که روز بروز این احساسات زیادتیر گردد و این اتحاد و اتفاق بیشتر شود تا آنچه در کتب انبیا اخبار داده شده ظاهر و آشکار گردد زیرا این عصر عصر عظیم است و این قرن ربانی جمیع آنچه در کتب مذکور است آثارش ظاهر شده آنچه حضرت مسیح فرموده علامتش مکشوف شده یوم ربّ جلیل است عدل الهی عاقبت جلوه نماید این عصر عصر صلح و صلاح است این عصر عصر اتحاد و نجاح است در این عصر امید است که عالم ناسوت انعکاسات عالم لاهوت شود امید ما چنین است و الحمد لله در این آرزو متفق هستیم از خدا خواهیم که جمیع بنفثات روح القدس زنده باشید متفق باشید قلوب جمیع از محبت الله ممتلی باشد لسانتان بذکر خدا مشغول گردد اعمالمان اعمال روحانیان باشد احساساتمان احساسات ملکوتیان باشد تا نور انسانی که مثال الهی است لایح و ساطع گردد

خداوند مهربانا کریمنا رحیمنا این جمع را بشمع محبت روشن نما و این نفوس را بنفثات روح القدس زنده کن انوار آسمانی ببخش و موهبت کبری مبذول دار تأییدات غیبیه برسان و مکاشفات روحانیه ارزان فرما دیدهها را بنور هدی روشن کن و دلها را بفیوضات نامتناهی غبطه گلشن نما ارواح را بشارت کبری ده و نفوس را بموهبت عظمی مفتخر نما ای پروردگار فقیرانیم گنج ملکوت ارزانی نما ذلیلانیم در ملکوت عزیز فرما بی سر و سامانیم در پناهت ملجأ و مأوی ده طالبانیم بالطفای بی پایان رهبری نما ساکتانیم نطق فصیح بخش بی قوتیم قدرت ملکوت احسان فرما پروردگارا آموزگار خطا ببخش عطا بده گناه بیامرز ما را آداب رحمانی بیاموز توئی دهنده توئی بخشنده توئی مهربان